

## مطالعات جغرافیایی مناطق خشک

دوره هفتم، شماره‌ی بیستم و پنجم، پاییز ۱۳۹۵

دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱ تأیید نهایی: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳

صص ۱-۱۶

### تحلیل تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی در شهر همدان<sup>۱</sup>

فاطمه ساعدنیا، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - دانشگاه حکیم سبزواری

سید هادی حسینی\*، استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری - دانشگاه حکیم سبزواری

حسین قدرتی، استادیار جامعه‌شناسی - دانشگاه حکیم سبزواری

#### چکیده

موضوع کیفیت زندگی به‌خصوص در زمینه‌ی شهری در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده و به‌طور فزاینده‌ای به موضوع تحقیقات مختلف تبدیل شده است. بر این اساس، هدف اصلی این تحقیق بررسی تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی در شهر همدان است. با توجه به اهمیت جایگاه عدالت در ابعاد مختلف بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی، مطالعه‌ی چگونگی ارتباط میان عدالت فضایی و رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی خود، از موضوعات دیگری است که مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. محدوده‌ی مورد مطالعه تمام نواحی شهر همدان که دربرگیرنده‌ی ۴ منطقه، ۱۲ ناحیه و ۷۵ محله است. با توجه به گستردگی محدوده‌ی مورد مطالعه، از میان محلات شهر همدان، ۱۷ محله به‌عنوان محلات منتخب برای مطالعه انتخاب گردیدند. روش‌شناسی تحقیق، توصیفی زمینه‌یابی (پیمایشی) و همبستگی است و از آن‌رو که تحقیق در یک محدوده‌ی جغرافیایی خاص صورت می‌گیرد، می‌توان آن را در زمره‌ی پژوهش‌های موردی دانست. ابزار اصلی تحقیق پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته بر اساس پرسش‌نامه‌ی استاندارد کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، امتیاز کلی کیفیت زندگی در محله‌های مورد مطالعه در شهر همدان برابر با ۳/۱۳ و بیشتر از حد متوسط است. همچنین یافته‌های تحقیق گویای آن است که رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی میان بهره‌مندی از عدالت فضایی (بهره‌مندی از خدمات و امکانات شهری) و رضایتمندی از کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه وجود داشته است.

**واژگان کلیدی:** کیفیت زندگی، عدالت فضایی، پرسش‌نامه‌ی سازمان بهداشت جهانی، شهر همدان.

۱- این مقاله برگرفته از پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد می‌باشد.

\* Email: sh.hosseini@hsu.ac.ir

نویسنده‌ی مسئول: ۰۹۱۲۴۳۷۲۴۳۰

## ۱- مقدمه

یکی از گرایش‌های نو که تأثیر شگرفی در فرایند تحول دیدگاه‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی شهری در نیمه‌ی دوم قرن بیستم داشته است، نظریه‌های اجتماعی و کیفی توسعه است. سازمان ملل با این نوع نگاه به توسعه و به‌منظور توجه به بعد انسانی آن و ایجاد دنیایی با تمرکز بر زندگی سالم، طولانی و باکیفیت از سال ۱۹۹۰ مفهوم توسعه‌ی انسانی را به ادبیات توسعه وارد نمود. توجه به مقوله‌ی کیفیت زندگی در سال‌های اخیر را نیز می‌توان در همین راستا (تغییر نگاه از توسعه‌ی یک‌بعدی و کمی به توسعه‌ی چندی بعدی و کیفی) مورد اهتمام قرار داد. در واقع، رواج و کاربرد مفهوم کیفیت زندگی در واقع کنشی است علیه توسعه‌ی یک‌بعدی اقتصادی در سطح ملی و توسعه‌ی صرفاً کالبدی - کارکردی در مقیاس شهری و تلاشی است در جهت اهتمام به معیارهای کیفی در عرصه‌ی برنامه‌ریزی (کوکبی، ۱۳۸۴: ۱).

موضوع کیفیت زندگی به‌خصوص در زمینه‌ی شهری در سال‌های اخیر توجهات زیادی را به خود جلب کرده و به‌طور فزاینده‌ای به موضوع تحقیقات مختلف تبدیل شده است (Seik, 2000; Bonaiuto et al, 2003; Li et al, 2007; Lee, 2008 and Moro et al, 2008). توجه عملی به تحقیق در این عرصه، تعداد زیادی از رشته‌های علمی از جمله روان‌شناسی، پزشکی، اقتصاد، علوم محیطی، جامعه‌شناسی، جغرافیا و... را شامل می‌شود. یک تحقیق از پایگاه داده‌های مؤسسه‌ی اطلاعات علمی نشان می‌دهد که از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۵ بیش از ۵۵ هزار تحقیق در مورد کیفیت زندگی صورت گرفته است. در ایران نیز یک تحقیق از پایگاه مجلات تخصصی نور نشان می‌دهد برای عبارت "کیفیت زندگی" بیش از ۳۴۰۰ رکورد نمایش داده شده است. یکی از دلایل این امر را می‌توان در گسترش شهرنشینی و مشاهده‌ی آشفتگی‌ها، آسیب‌ها و ناپایداری‌هایی دانست که در مناطق شهری شکل گرفته و رو به افزایش است که از آن جمله می‌توان به شهری شدن پدیده‌ی فقر، افزایش نابرابری اجتماعی - اقتصادی و محیطی در مناطق شهری و پیراشهری، چالش‌های محیطی و ... اشاره نمود. از مهم‌ترین پیامدهای چنین نابرابری و چالش‌هایی می‌توان به دوگانگی و تضادی اشاره کرد که در قالب شکل‌گیری دو مدار سیستمی مجزا و با مرزبندی‌های پیدا و پنهان و لایه‌بندی‌های اجتماعی - اقتصادی مشهود در شهرها قابل مشاهده است. دوگانگی و تضادی که عمدتاً از آن با نام‌هایی چون "شهر آفتاب‌گیر و شهر برف‌گیر"، "شهر طلا و شهر نقره"، "شهر روشنایی‌ها و شهر تاریکی‌ها" (شکویی، ۱۳۸۱: ۴۸۲)، "حاشیه‌ی شهر و متن شهر"، "شهروند و غیر شهروند"، "بالا شهر و پایین شهر" و ... یاد می‌کنند. دوگانگی‌هایی که در قالب دو فرهنگ، دو کالبد و دو اقتصاد نمود پیدا می‌کند. اهمیت یافتن مطالعات مربوط به کیفیت زندگی در ادبیات برنامه‌ریزی شهری در طی چند دهه‌ی اخیر نیز کوششی است در راستای شناخت کمیت و کیفیت نارسایی‌ها و نابرابری‌ها میان محلات و نواحی مختلف شهری در راستای تعدیل و کاهش آن‌ها و درنهایت ارتقاء کیفیت زیست‌پذیری فضاهای شهری و کیفیت زندگی شهروندان.

نگاهی به روند تحولات شهرنشینی و برنامه‌ریزی شهری در ایران در دهه‌های اخیر گویای این واقعیت اساسی است که رویکردهای تک‌بعدی و کالبدی تبدیل به دغدغه‌ی اصلی برنامه‌ریزان و مدیران شهری کشور شده است. در برنامه‌ریزی‌های کلان، سیاست‌گذاران و مدیران کشور عمدتاً در فکر ایجاد سرپناهی برای شهروندان هستند تا این‌که مسکنی ساخته شود که واقعاً مکان سکون و آرامش باشد. مدیران شهری عمدتاً به فکر بهبود وضعیت کالبدی شهرها (خیابان‌ها، تراکم‌ها، زباله و ...) هستند و مسائل اجتماعی و فرهنگی و ابعاد روانی طرح‌های شهری چندان موردتوجه قرار نمی‌گیرند. برنامه‌ریزی‌ها و پروژه‌ها عمدتاً رو به‌سوی عینیت دارد تا ذهنیت، بیش‌تر به کالبد می‌پردازد تا محتوا و معنی، عمدتاً بریده از گذشته مکان و فرهنگ مردمان آن هستند و رو به‌سوی حال دارند، بدون آن‌که تأثیر اقدامات آن‌ها بر میراث گذشته و چشم‌اندازهای آینده موردبررسی قرار گیرند. چنین روندی بخش عمده‌ای از کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ کشور را به خویش معطوف کرده است.

تداوم و سرعت‌یابی چنین شرایطی می‌تواند تأثیرات و پیامدهایی اساسی را بر پیکر فرهنگ و محیط طبیعی و انسان‌ساخت آن‌ها وارد سازد. در چنین شرایطی برای جلوگیری از تکرار اشتباهات گذشته و تلاش در جهت بهبود

کیفیت زندگی در محیط‌های شهری و پایدار ساختن توسعه‌ی آن‌ها، انجام مطالعاتی در خصوص کیفیت زندگی شهروندان و همچنین تحلیل کمی و کیفی میزان رضایتمندی شهروندان مناطق و محلات مختلف شهرها از کیفیت زندگی‌شان و شناخت عوامل مؤثر بر آن‌ها می‌تواند زمینه‌ای مناسب را فراهم سازد تا برنامه‌ریزان و مدیران شهری در ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های خود از توجه صرف به بعد کالبدی فراتر رفته و ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی طرح‌ها و برنامه‌ها را بیشتر مورد مذاقه و بررسی قرار دهند و استراتژی‌ها و اولویت‌های برنامه‌ها و طرح‌های خود را با توجه به نیازهای خاص هر محله و ناحیه تنظیم نمایند. بر این اساس، هدف اصلی این تحقیق بررسی تفاوت‌های فضایی کیفیت زندگی در شهر همدان است. با توجه به اهمیت جایگاه عدالت در ابعاد مختلف بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی، مطالعه چگونگی ارتباط میان عدالت فضایی و رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی خود، از موضوعات دیگری است که مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## ۲- پیشینه‌ی تحقیق

موضوع کیفیت زندگی به‌طور خاص از سابقه‌ی مطالعاتی چندانی در ایران برخوردار نیست. هرچند که در خصوص مباحث و موضوعات مرتبط با آن مانند عدالت اجتماعی و نابرابری‌های فضایی به‌طور غیرمستقیم مطالعات چندی صورت گرفته است (حاتمی‌نژاد، ۱۳۷۹؛ مرصوص، ۱۳۸۲؛ شریفی، ۱۳۸۵). از جمله اولین مطالعاتی که به‌طور خاص در ایران به موضوع کیفیت زندگی در شهرها پرداخته است، نوشتاری است تحت عنوان "زندگی و شهر: تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی" که در سال ۱۳۵۵ توسط باقر پرهام به رشته‌ی تحریر درآمده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این نوشتار بحثی است که وی در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی و تفاوت‌های آن در جوامع شرقی و غربی انجام داده است و در واقع بر تفاوت‌های زمانی و مکانی این مفهوم تأکید دارد. مطالعات تجربی مربوط به کیفیت زندگی در ایران عمدتاً جدید هستند و اکثراً طی یک دهه‌ی اخیر انجام پذیرفته‌اند که از آن جمله می‌توان پژوهش کوبی و دیگران (۱۳۸۴)، حاجی نژاد و دیگران (۱۳۸۹)، پور طاهری و دیگران (۱۳۹۰)، پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱) و ... اشاره نمود. در بین مطالعات انجام‌شده، پژوهشی که توسط حاجی نژاد و دیگران (۱۳۸۹) با عنوان "بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه‌ی موردی بافت قدیم و جدید شهر شیراز)" ارتباط نزدیکی با این پژوهش دارد. این پژوهش به بررسی تفاوت رضایتمندی از کیفیت زندگی در چینی‌جاهای قدیم و جدید شهر شیراز پرداخته است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که تفاوت‌ها در خصوص سطح رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط بین بافت قدیم و جدید چندان قابل‌ملاحظه نیست که علت این موضوع در تأثیر ویژگی‌های فردی و متغیرهای زمینه‌ای چون تحصیلات، درآمد و وضعیت بوده است. هم‌چنین پژوهش پوراحمد و دیگران (۱۳۹۱) در خصوص بررسی کیفیت زندگی در محلات و نواحی مختلف شهر بابلسر نشان داده است که ساکنان محله‌های شهری باوجودی که می‌توانند دارای استاندارد بالایی از کیفیت زندگی عینی باشند، اما بازهم از زندگی خود حس رضایتمندی نداشته باشند و در مقابل محله‌های فقیرنشین باوجود شرایط نامناسب کیفیت محیط و مکان زندگی ممکن است که از زندگی خود رضایت بیشتری داشته باشند. از پژوهش‌های دیگر می‌توان به مطالعه‌ی قربانی و دیگران (۱۳۹۲) تحت عنوان "تحلیل توزیع فضایی کیفیت زندگی در محله‌های شهر چالوس" اشاره کرد. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد شهروندان نسبت به شاخص‌ها تا حدودی راضی‌اند و کیفیت زندگی در شهر چالوس متوسط و نسبتاً زیاد است. محله‌ی ۱۰ با بیش‌ترین میزان رضایتمندی و کیفیت زندگی بالا، مطلوب‌ترین محله و در مقابل، محله‌ی ۱۴ با کم‌ترین میزان رضایتمندی و کیفیت زندگی پایین، نامطلوب‌ترین محله مشخص شد. در اکثر محله‌ها، دو شاخص ارتباطی - حمل‌ونقل و دسترسی - خدماتی بیش‌ترین نارضایتی و شاخص همبستگی اجتماعی بیش‌ترین رضایتمندی شهروندان را به خود اختصاص داده‌اند. یافته‌های پژوهش شاه-حسینی و دیگران (۱۳۹۲) نیز نشان می‌دهد با بهبود وضعیت مسکن و دسترسی به خدمات می‌توان به ارتقاء سطح کیفیت زندگی در محله‌ی وردآورد شهر تهران کمک کرد. از مطالعات مرتبط با پژوهش در سطح بین‌المللی نیز می‌توان به پژوهش

رشیده زینال و دیگران<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) اشاره کرد که در آن به بررسی رابطه‌ی میان کیفیت مسکن و کیفیت زندگی در مناطق شهری فقیر مالزی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داده که بین شرایط مسکن (ویژگی‌های کالبدی، نوع مسکن، مالکیت مسکن، شرایط محیطی و دسترسی به امکانات) با کیفیت زندگی شهروندان رابطه‌ی کوچک اما معنی‌دار و مثبتی وجود داشته است.

### ۳- مبانی نظری تحقیق

کیفیت زندگی از جمله کلماتی است که به‌وسیله‌ی هرکسی بدون تفکر و تعمق استعمال می‌شود، اما غالباً از تعریف دقیق این مفهوم فرار می‌کنند. در کاربردهای عمومی و مقالات منتشرشده، واژه‌ی کیفیت اغلب برای مشخص کردن جذابیت یا برتری محصول استفاده شده است. کیفیت زندگی مفهومی قرن بیستمی نیست، بلکه تاریخچه‌ی آن به فلاسفه‌ای همانند ارسطو برمی‌گردد که در پژوهش‌هایش در مورد "the Life Good & Living Well" نوشته است و این‌که چگونه سیاست عمومی می‌تواند به پرورش آن کمک نماید. خیلی بعدها و در سال ۱۸۸۹ واژه‌ی کیفیت زندگی در عبارتی توسط سس<sup>۳</sup> مورد استفاده قرار گرفت (El Din et al, 2013: 87). هم‌چنین در دوران جدید فیلسوفانی چون کیرکگارد، ژان پل سارتر، مازلو و دیگران در بحث پیرامون حالات درونی شخص به آن توجه کرده‌اند (پور طاهری و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴) و از دهه‌ی ۱۹۳۰ این مفهوم توسط حوزه‌های مختلف علمی مورد مطالعه قرار گرفت (Wish, 1986: 95).

کیفیت زندگی مفهومی است پیچیده با ساختاری چندبعدی که نیازمند رویکردهای نظری گوناگون است. دقت در وجوه مختلف کاربردهای جاری این مفهوم، گویای این واقعیت است که کیفیت زندگی بیش از هر چیز با نوعی واکنش فکری بشر در مرحله‌ی کنونی تاریخ ارتباط دارد. این مفهوم واکنشی اعتراضی است بر ضد نوعی تمدن که محدودیت‌های تاریخی آن اینک بیش‌ازپیش آشکار می‌شود. مفهوم "کیفیت زندگی" در واقع بازتابی است از آگاهی تاریخی بشر به "محدودیت‌های رشد" و به جنبه‌های تباہی‌آور "تمدن صنعتی غرب" از لحاظ محیط‌زیست. این مفهوم بازتابی است از نگرانی فکری بشر نسبت به نوعی از خودبیطانگی فزاینده و خواست عمیق انسان نسبت به بازیابی وجود اجتماعی خویش در زیست‌بوم طبیعی خود (پرهام، ۱۳۵۵: ۳). از زاویه‌ی یک نگاه علمی و تحلیلی، نظر به این‌که هنوز ادبیات مربوط به مفهوم کیفیت زندگی چندان استوار نشده است، آشکار است که ارائه‌ی یک تعریف برای این مفهوم بسیار مشکل است و در خصوص واژه‌شناسی، روش‌های ساخت و معیارهایی که این سازه را تشکیل می‌دهند، تلاش‌ها برای دستیابی به یک تعریف اجماعی موفق نبوده است (Morais et al, 2011: 399). تعدد حوزه‌های درگیر در بررسی مفهوم کیفیت زندگی باعث شد تا هر محققى به تناسب تخصص و زمینه‌ی کاری خود تعاریف به بررسی و تعریف و ارائه‌ی شاخص برای سنجش کیفیت زندگی بپردازد که از آن جمله می‌توان به مطالعات اجتماعی از کیفیت زندگی (Wang et al, 2010; Mason et al, 2010)، مطالعات اقتصادی (Wong, 2001; Whithead et al, 2006)، مطالعات بهداشتی و پزشکی (Habib et al, 2009; Ryashchenko et al, 2010)، مطالعات محیطی (Godefroid, 2001; Geelen et al, 2009; Moser, 2009; Westaway, 2006) و ... اشاره نمود.

درحالی‌که در برخی نگرش‌ها کیفیت زندگی به‌عنوان یک مجموعه‌ای از فاکتورها از قبیل سلامت، محیط کالبدی، منابع طبیعی، توسعه‌ی شخصی و ایمنی تعریف می‌شود، در سوی دیگر محققانی دیگر بعد اقتصادی را به‌عنوان یکی از ستون‌های سه‌گانه کیفیت زندگی مطرح می‌کنند. برخی دیگر از نویسندگان به‌جای مفاهیم کمی و عینی، از کیفیت زندگی به‌عنوان یک مفهوم عمدتاً ذهنی دفاع می‌کنند. برخی کیفیت زندگی را به‌عنوان رضایتمندی از زندگی تعریف کرده‌اند (Morais et al, 2011: 399). رافائل و دیگران (Rafael, 1996: 69) کیفیت زندگی را حدی که شخص از امکانات مهم زندگی‌اش لذت می‌برد، تعریف می‌کنند. پال (Pal, 2005) معتقد است کیفیت زندگی نشان‌دهنده‌ی

2- Zainal

3- Seth

ویژگی‌های کلی اجتماعی و اقتصادی و محیطی مناطق است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای نظارت بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی اجتماع به کار رود. فینویک و دیگران (۱۹۹۶) کیفیت زندگی مفهومی اجتماعی است و خود معنایی واقعی ندارد، بلکه صرفاً افراد هستند که بدان معنی می‌بخشند (Collados et al, 1999: 446). کامپ عنوان می‌کند که مفهوم کیفیت زندگی به‌طور عمیقی از تفکر مرتبط با سلامت نشأت می‌گیرد و دیدگاه واحدی درباره‌ی علت آن وجود ندارد (Kamp et al, 2003: 9).

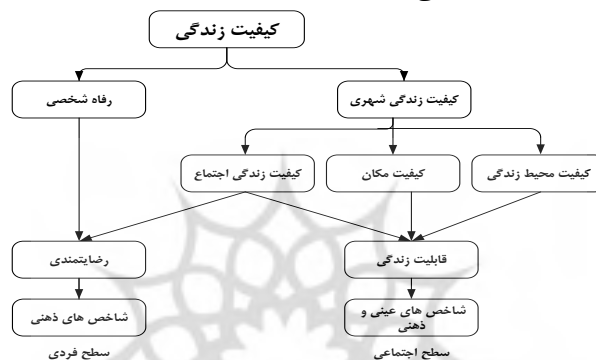
کیفیت زندگی ممکن است احساس خوبی باشد از ترکیبی از عوامل مرتبط با حس مکان یا هویت مکان از قبیل خوانایی، خاطره‌ی جمعی و حس تعلق تاریخی. چیزی که در اینجا بسیار مهم است، ارتباط مستقیم عاطفی (احساسی) است که ما با محیط ساخته‌شده اطراف داریم؛ به‌عبارت‌دیگر احساس ما یا واکنش احساسی بین روان ما و فرم محیط و اجزای اصلی آن است (Profect et al, 1992: 134).

باوجود تفاوت‌های اساسی در تعاریف کیفیت زندگی، باین‌حال می‌توان یک وجه مشترک را در بخش عمده‌ای از این تعاریف پیدا نمود. این وجه اشتراک اهتمام هم‌زمان به تأمین نیازهای اساسی مادی و معنوی (شامل ابعاد مادی و معنوی ساحت زندگی انسان) است. اکثر محققان در بررسی کیفیت زندگی آن را به دو بعد که ناظر بر دو نیاز فوق است، تقسیم کرده‌اند. بعد روان‌شناختی یا ذهنی و بعد محیطی یا عینی (Massam, 2002; Westaway, 2006; Van Kamp et al, 2003; Daisy, 2008). از این‌رو می‌توان به‌طور کلی کیفیت زندگی را سازه‌ای چندبعدی، متشکل از شرایط عینی زندگی و بهزیستی ذهنی تعریف کرد. بعد عینی یا محیطی، به پاسخ‌گویی به تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی برای ثروت مادی، پایگاه اجتماعی و بهزیستی جسمانی و بعد ذهنی یا روان‌شناختی به احساس رضایت به‌طور عام اشاره دارد (Phillips, 2006). در واقع بعد ذهنی ادراکات و ارزش‌یابی‌های افراد از وضعیت زندگی‌شان را دربر می‌گیرد و به بیانی دیگر، شاخصه‌ای ذهنی، راه‌هایی که مردم محیط پیرامونشان را درک و ارزیابی می‌کنند، تشریح می‌کنند. اگر کیفیت زندگی را دربرگیرنده‌ی دو مفهوم رفاه شخصی و کیفیت زندگی شهری بدانیم، شاخصه‌ای ذهنی عمدتاً برای اندازه‌گیری رفاه شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند (Levent, 2006: 4)، در حالی که شاخصه‌ای عینی بر مقایسه مکان‌ها و بررسی نقش عوامل محیطی و کالبدی - فضایی در کیفیت زندگی افراد اشاره دارند.

در بعد عینی کیفیت زندگی ویژگی‌های چون کیفیت محیط، کیفیت مکان و کیفیت زندگی اجتماعی (که عوامل محیطی و مکان در آن می‌توانند تأثیرات مهمی داشته باشند) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. کیفیت محیط که بیانگر بخشی از قابلیت‌های محیط است (لنگ، ۱۳۸۳: ۹۱) بر اساس ادراک محیطی افراد مورد بررسی قرار می‌گیرد. ادراک محیطی فرآیندی است که از طریق تعامل ادراک حسی و شناخت که در ذهن انسان تجربه شده‌اند، حادث می‌شود و در این فرآیند نقش محیط به‌عنوان عامل اساسی در رشد، توسعه‌ی و درنهایت یادگیری مورد توجه قرار می‌گیرد (مطلبی، ۱۳۸۰: ۵۶) و در این فرآیند، محیطی که دارای کیفیت برتری باشد، می‌تواند احساسی از رفاه و رضایتمندی را از طریق ویژگی‌هایی که ممکن است فیزیکی، اجتماعی یا سمبولیک باشد، به ساکنانش انتقال دهد (Lansing et al, 1969). نقش کیفیت مکان در کیفیت زندگی شهری را می‌توان در این جمله گابریل مارسل دید که می‌گوید: "یک فرد جدای از مکان خود نیست، او همان مکان است" (افروغ، ۱۳۷۷: ۵۲). ادوارد رلف نیز شناخت مکان‌ها را حلقه‌ای ضروری در زنجیره‌ی معرفت می‌داند (یزدانی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴) چراکه مکان بخشی از فضای جغرافیایی است که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی به وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۸: ۲۸۷). مکان عنصر اصلی هویت ساکنان آن به شمار می‌رود. انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نایل شود (حبیبی، ۱۳۸۷: ۳۹) و درنهایت این دو (کیفیت مکان و کیفیت محیط) بر کیفیت زندگی اجتماعی تأثیر گذارند.

چینی‌جاها و محلات شهری با توجه به سابقه‌ی شکل‌گیری و تغییر و تحولاتی که در طی زمان به خود دیده‌اند، واجد کیفیت‌های محیطی و مکانی و زندگی اجتماعی متفاوتی هستند. چینی‌جاها قدیمی مناطقی هستند که کوله‌باری از تحولات اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را با خود به همراه دارند، اما طی زمان به دلیل عدم تطابق با نیازهای

زمان رنگ باخته و فرسوده شده‌اند. چینی‌جاهای جدید به دلیل توسعه‌ی شتابان شهرها، افزایش جمعیت شهری، توسعه‌ی حمل‌ونقل و البته اضطرار، هرچند در ظاهر از نظم هندسی و کیفیت محیطی بهتری برخوردار هستند، اما در ایجاد هویت مکانی و ایجاد تعلق مکانی برای ساکنانشان با چالش‌های جدی مواجه هستند و در سویی دیگر چینی‌جاهای میانی شهرها قرار دارند که در دوران گذار شکل‌گرفته‌اند، به‌مرور زمان دارای خاطره و تاریخ شده‌اند و سعی کرده‌اند خود را با تحولات زمان همراه کنند. این چینی‌جاها هر یک واجد شرایط متفاوتی از کیفیت محیطی و مکانی هستند و این امر می‌تواند بر کیفیت زندگی شهروندان و میزان رضایتمندی آن‌ها تأثیرگذار باشد. ویژگی‌های کیفیت محیط می‌تواند بر دو وجه از وجوه سه‌گانه‌ی کیفیت زندگی (Philips, 2006) یعنی وجه "بودن" که از موجودیت فرد بحث می‌کند و وجه "تعلق" که از ارتباط فرد با محیط صحبت می‌کند، تأثیرگذار باشد. هویت‌مندی مکان و کیفیت مناسب محیط می‌تواند بر کیفیت روابط اجتماعی تأثیر گذاشته و این امر در نهایت می‌تواند در شناساندن فرد و مکان یا وجه "بودن" و هم‌چنین بر وجه "تعلق" فرد از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی، همبستگی و انسجام اجتماعی و در نهایت احساس تعلق مکانی تأثیرگذار باشد.



شکل (۱) مولفه‌های سازنده کیفیت زندگی (Levent, 2006: 4)

#### ۴ - محدوده‌ی مورد مطالعه

محدوده‌ی مکانی تحقیق، شهر همدان است. این شهر با وسعتی حدود ۷۲۵۳ هکتار، در سال ۱۳۹۰ دارای جمعیتی برابر با ۵۴۸۳۷۸ نفر بوده است. محدوده‌ی مورد مطالعه تمام نواحی شهر همدان که دربرگیرنده‌ی ۴ منطقه، ۱۲ ناحیه و ۷۵ محله است. با توجه به گستردگی محدوده‌ی مورد مطالعه، از میان محلات شهر همدان، ۱۷ محله به‌عنوان محلات منتخب برای مطالعه انتخاب گردیدند. سعی گردید توزیع جغرافیایی محلات منتخب به‌گونه‌ای باشد که علاوه بر شمول همه‌ی مناطق چهارگانه‌ی شهر، دربرگیرنده و نماینده‌ی بافت‌های مختلف شهر اعم از پهنه‌های اسکان غیررسمی، بافت فرسوده و مناطق مرکزی شهر، مناطق و شهرک‌های برنامه‌ریزی‌شده و محلات اسکان طبقات مرفه شهری باشد (شکل ۲). محلات مورد مطالعه عبارت‌اند از:

محله‌ی حمام قلعه یا قاشق‌تراشان که در ناحیه‌ی یک از منطقه‌ی یک در بافت قدیم و مرکزی شهر قرار گرفته است و جمعیت محله برابر ۵۲۶۹ هزار نفر است. محله گلپا که در ناحیه‌ی یک از منطقه‌ی دو شهر قرار گرفته است و جمعیت محله برابر با ۸۶۳۹ هزار نفر است. این دو محله، در بافت قدیم و تاریخی قرار گرفته‌اند. هدف از انتخاب محلات مورد مطالعه در این بافت به دلیل این‌که در مرکز جغرافیایی شهر و هم‌چنین در محدوده‌ی بافت فرسوده‌ی شهر قرار دارند و محل تجمع خدمات و امکانات است و در نهایت میزان تأثیراتی که این تجمع امکانات بر میزان کیفیت زندگی ساکنین دارد، است.

محلات واقع شده در بافت جدید شهری شامل محلات سعیدیه با جمعیت ۵۲۹۹ هزار نفر و استادان یا متخصصین با جمعیت ۸۳۷۷ هزار نفر در ناحیه سه از منطقه‌ی یک و در جنوب جغرافیایی شهر همدان قرار گرفته و محلات اعتمادیه با جمعیت ۱۰۸۲۵ هزار نفر و محله‌ی پیشاهنگی با جمعیت ۷۲۱۶ هزار نفر در ناحیه دو از منطقه‌ی دو و در جنوب

شهر همدان قرار گرفته و شهرک بهشتی با جمعیت ۱۰۶۱۸ هزار نفر در ناحیه سه از منطقه‌ی دو در جنوب شرقی شهر قرار گرفته، شهرک الوند با جمعیت ۹۶۴۸ هزار نفر در ناحیه‌ی یک از منطقه‌ی چهار و در منتهی‌الیه شمال غرب واقع شده و محلات حسن‌آباد با جمعیت ۶۶۸۳ هزار نفر و آزادگان با جمعیتی معادل ۱۳۶۸۴ هزار نفر در ناحیه‌ی سه از منطقه‌ی سه که هر دو در شهرک شهید مدنی و در شمال شرقی شهر واقع شده‌اند که همگی این محلات در بافت جدید شهر قرار گرفته است. چینی‌جاهای جدید شهری، بافت‌هایی هستند که عمدتاً بعد از انقلاب اسلامی و به دلیل افزایش جمعیت در اطراف شهرها شکل گرفته‌اند. هدف از انتخاب محلات واقع شده در بافت جدید شهری به این دلیل است که این محلات معمولاً از مرکز شهر دور می‌باشند که این دوری معمولاً با کمبود خدمات و امکانات مواجه است و در نهایت میزان تأثیراتی که این امکانات موجود بر میزان کیفیت زندگی ساکنین دارد، مورد بررسی قرار گیرد.

محل‌ی حاج عنایت واقع در ناحیه‌ی سه از منطقه‌ی دو و در شرق شهر در بافت میانی قرار گرفته است و جمعیت محله برابر با ۷۲۱۶ هزار نفر است. چینی‌جاهای میانی از حدود سال ۱۳۰۰ تا اوایل دهه‌ی ۱۳۴۰ گرداگرد بافت قدیمی شهر شکل گرفته و هم‌زمان با توسعه‌ی شهرها تغییرات کالبدی جدیدی در بخش قدیمی شهرها صورت گرفت. با توجه به این که بخشی از تمرکز خدمات و امکانات در بافت میانی است و با توجه به ساختار این بافت برای بررسی میزان رضایت از کیفیت زندگی ساکنین محله‌ی عنایت از این بافت انتخاب شد.

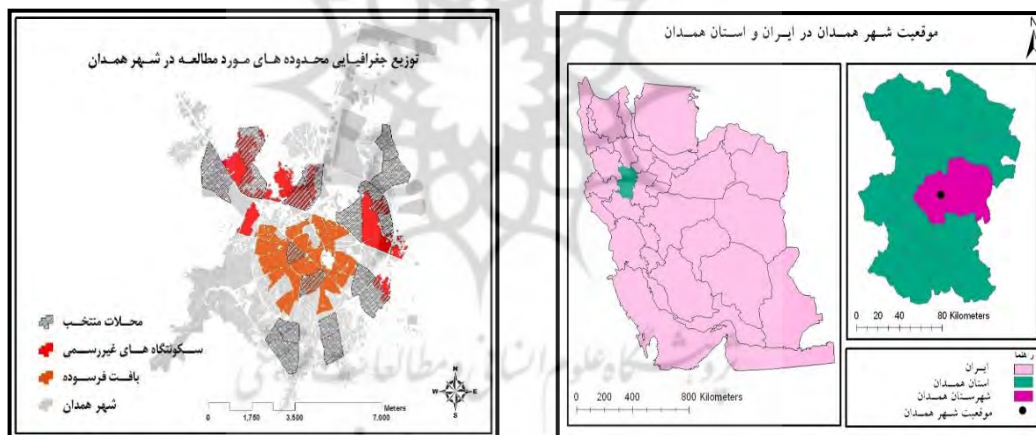
محلاتی که در سکونت‌گاه غیررسمی قرار دارند شامل محلات حصار پیازکاران با جمعیتی معادل ۱۶۰۷۴ هزار نفر و شهرک صداوسیما با جمعیتی معادل ۸۱۴۴ هزار نفر، محلات مجیدآباد با جمعیتی معادل ۱۵۱۴۷ هزار نفر و کوی خضر با جمعیتی معادل ۸۷۲۵ هزار نفر که این دو محله در سکونت‌گاه غیررسمی خضر واقع شده‌اند. هم‌چنین محلات صادقیه با جمعیتی برابر ۴۲۸۰ هزار نفر و ولیعصر با جمعیتی برابر ۱۱۰۸۵ هزار نفر در سکونت‌گاه غیررسمی دیزج یا (شهرک ولیعصر) می‌باشند و در شمال غرب شهر همدان واقع شده‌اند.

جدول ۱: محلات منتخب و ویژگی‌های جمعیتی و موقعیت جغرافیایی آن‌ها

کد ناحیه	کد محله	نام محله	جمعیت محله	نسبت جمعیت محله به ناحیه (درصد)	نوع بافتی
۱-۱	۱۰۲	قلعه محله	۳۸۶۲	۱۳/۱۷	بافت تاریخی- قدیمی
۱-۳	۱۱۱	سعیدیه	۵۲۹۹	۱۲/۴۷	بافت جدید شهری
	۱۱۶	متخصصین (استادان)	۸۳۷۷	۱۹/۷۲	
۲-۱	۲۰۳	گلپا	۸۶۳۹	۱۹/۷۱	بافت فرسوده
۲-۲	۲۱۳	پیشاهنگی	۷۲۱۶	۱۴/۸۶	بافت جدید شهری
	۲۱۵	اعتمادیه	۱۰۸۲۵	۲۲/۳۰	
۲-۳	۲۰۹	حاج عنایت	۸۰۴۰	۲۳/۱۳	بافت جدید شهری
	۲۱۰	بهشتی	۱۰۶۱۸	۱۷/۴۹	
۳-۱	۳۰۷	مجیدآباد	۱۵۱۴۷	۵۴/۸۳	سکونت‌گاه غیررسمی خضر
۳-۲	۳۰۸	کوی خضر	۸۷۲۵	۱۵/۳۷	سکونت‌گاه غیررسمی خضر
۳-۳	۳۱۴	آزادگان	۱۳۶۸۴	۳۶/۷۰	بافت جدید شهری
	۳۲۰	حسن‌آباد	۶۶۸۳	۱۷/۹۱	
۴-۱	۴۱۵	الوند	۹۶۴۸	۲۰/۹۳	بافت جدید شهری
۴-۲	۴۰۵	صداوسیما	۸۱۴۴	۱۷/۰۶	سکونت‌گاه غیررسمی حصار امام
	۴۰۴	حصار پیازکاران	۱۶۰۷۴	۳۳/۶۹	
۴-۳	۴۱۰	صادقیه	۴۲۸۰	۹/۰۷	سکونت‌گاه غیررسمی دیزج
	۴۱۷	ولیعصر	۱۱۰۸۵	۲۳/۵۱	

## ۵- روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق، توصیفی زمینه‌یابی (پیمایشی) و همبستگی است و از آن‌رو که تحقیق در یک محدوده‌ی جغرافیایی خاص صورت می‌گیرد، می‌توان آن را در زمره‌ی پژوهش‌های موردی دانست. ابزار اصلی تحقیق، پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته بر اساس پرسش‌نامه‌ی استاندارد کیفیت زندگی سازمان بهداشت جهانی است. این پرسش‌نامه با همکاری ۱۵ مرکز بین‌المللی در سال ۱۹۸۹ تهیه شده است و سؤال‌های آن دربرگیرنده‌ی چهار حیطه‌ی اصلی زندگی شامل الف- حیطه‌ی سلامت جسمانی (فیزیکی)، ب- حیطه‌ی سلامت روان‌شناختی، ج- حیطه‌ی سلامت اجتماعی<sup>۱</sup> و د- حیطه‌ی سلامت محیطی<sup>۲</sup> (محیط زندگی) است. در این پژوهش، علاوه بر سؤال‌های پرسش‌نامه‌ی استاندارد سازمان بهداشت جهانی، بعد رضایتمندی اقتصادی هم برای تکمیل مباحث اضافه گردید که در مجموع تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه از ۲۶ سؤال استاندارد پرسش‌نامه‌ی سازمان بهداشت جهانی به بیش از ۵۰ سؤال رسید. جامعه‌ی آماری تحقیق شامل شهروندان بالای ۲۰ سال شهر همدان است که بر اساس آمار سال ۱۳۹۰ برابر با ۳۹۵۶۵۱ نفر بوده‌اند. توزیع پرسش‌نامه در سطح محلات منتخب ۱۷ گانه‌ی شهر همدان و به صورت تصادفی انجام گردید. برای آنکه حداقل تعداد نمونه برای هر محله انتخاب گردد، تعداد نمونه برابر با ۵۱۰ مورد انتخاب گردید که برای هر محله ۳۰ نمونه اختصاص یافت و به صورت تصادفی ساده در بین شهروندان توزیع گردید. پایایی پرسش‌نامه بر اساس آلفای کرونباخ برای کل گویه‌ها برابر با ۰/۸۸۴ و برای حیطه‌های ۵ گانه‌ی فرعی نیز بالاتر از ۰/۷ بود که گویای مناسب بودن ابزار تحقیق است. تجزیه و تحلیل داده‌ها مبتنی بر استفاده از تحلیل‌های توصیفی و استنباطی نرم‌افزار SPSS و بهره‌گیری از سیستم اطلاعات جغرافیایی و مدل تاپسیس برای محاسبه‌ی عدالت فضایی در مناطق شهری است.



شکل ۱: موقعیت سیاسی - جغرافیایی شهر همدان

شکل ۲: محله‌های مورد مطالعه و چینی‌جای شهر همدان

## ۶- یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که پیش‌تر ذکر گردید در این پژوهش از پرسش‌نامه‌ی استاندارد سازمان بهداشت جهانی برای سنجش کیفیت زندگی استفاده شده است. البته نکته‌ی مهم آن است که این شاخص‌ها توسعه‌ی یافته‌اند و بخش‌های که احساس می‌شد و با توجه به سابقه نظری و پیشینه تحقیق که در سنجش کیفیت زندگی مهم هستند که علاوه بر چهار بعد اصلی مورد اشاره، بعد رضایتمندی اقتصادی هم برای تکمیل مباحث اضافه گردید که در مجموع تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه از ۲۶ سؤال استاندارد پرسش‌نامه‌ی سازمان بهداشت جهانی به بیش از ۵۰ سؤال رسید.

- 4- Physical Health Domain
- 5- Psychological Health Domain
- 6- Social Health Domain
- 7- Environmental Health Domain



سلامت جسمانی و روانی یکی از ارکان اصلی توسعه‌ی پایدار و شکوفایی و ارتقای وضعیت زندگی است. در واقع می‌توان گفت که پویایی و نشاط جامعه زمانی خواهد بود که شهروندان آن از سلامت جسمانی و روانی مطلوب برخوردار باشند. سلامت اجتماعی مفهومی است که در کنار ابعاد جسمی و روانی سلامت به آن توجه شده و جنبه‌ی اجتماعی سلامت را با محور قرار دادن فرد بررسی می‌کند. مفهوم سلامت اجتماعی کاربرد فراوانی دارد اما تعریف جامعی ندارد چون در زمینه‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شود. سلامت اجتماعی را نوعی ارزیابی فرد از کیفیت روابطش با خانواده و دیگران و گروه‌های اجتماعی است. در واقع بخشی از سلامت فرد را می‌سنجد که نشانگر رضایت یا نارضایتی فرد از زندگی و محیط اجتماعی است. از سویی دیگر باید اذعان نمود که کیفیت زندگی بدون کیفیت محیطی که در آن زندگی می‌کنیم معنایی ندارد؛ بنابراین می‌توان گفت که سلامت محیط یک قسمت از کیفیت زندگی است و شامل تمامی فاکتورهایی می‌شود که بخشی از رضایتمندی انسان را از محیط تشکیل می‌دهند. در تعیین کیفیت زندگی مراد از مفهوم رضایتمندی اقتصادی، برخورداری خانوارها از استانداردهای زندگی است. مقصود از استاندارد زندگی دسترسی به کالاها و خدمات پایه بوده به شرطی که به‌گونه‌ای منصفانه و متعادل بین مردم توزیع شده باشد، در غیر این صورت با وجود دسترسی بالا به سرمایه و خدمات، بسیاری از مردم به لحاظ استاندارد زندگی و به تبع آن کیفیت زندگی در سطح پایینی قرار خواهد داشت؛ بنابراین تأمین نیازهای اقتصادی به بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کند.

#### ۶-۱- کیفیت زندگی در محلات شهر همدان

بر اساس یافته‌های پژوهش، امتیاز کلی کیفیت زندگی در محله‌های مورد مطالعه در شهر همدان برابر با ۳/۱۳ و بیشتر از حد متوسط است؛ بنابراین کیفیت زندگی در شهر همدان بر اساس ابعاد و شاخصه‌ی پنج‌گانه‌ی مورد مطالعه در سطح نسبتاً مناسبی قرار دارد. بررسی وضعیت کیفیت زندگی در سطح محلات و بافت‌های مورد مطالعه به تفکیک گویای آن است که:

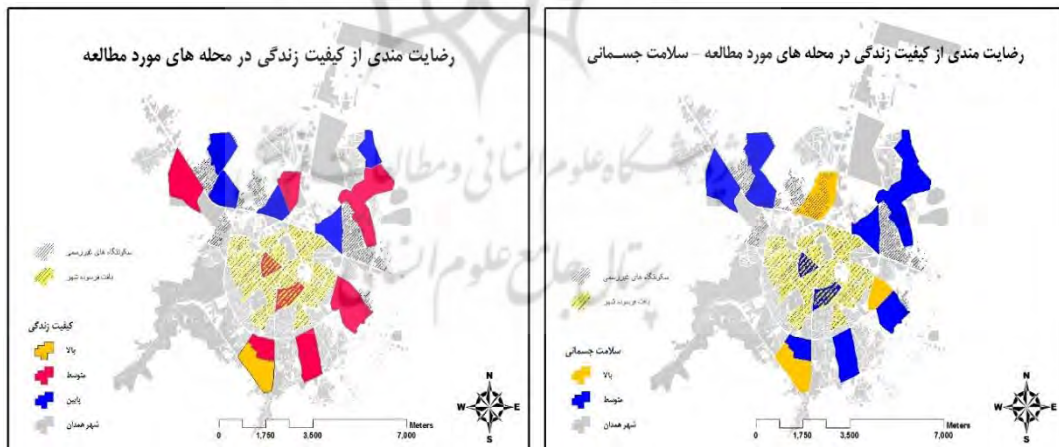
قلعه محله علاوه بر این که در بافت قدیمی شهر قرار دارد در بافت فرسوده نیز قرار دارد و محله‌ی گلپا نیز در بافت فرسوده‌ی شهر قرار دارد، میانگین امتیاز کیفیت زندگی آن‌ها به ترتیب برابر با ۳/۰۹ و ۳/۱۸ است که امتیاز هر دو محله بیش‌تر از عدد ۳ است و گویای رضایتمندی متوسط ساکنان آن‌ها از کیفیت زندگی‌شان است.

محلاتی مانند سعیدیه، متخصصین (استادان) و پیشاهنگی که در بافت‌های جدید شهری قرار دارند با امتیاز کیفیت زندگی به ترتیب با ۳/۳۳ و ۳/۵۶ و ۳/۱۸ بالاتر از حد متوسط می‌باشند. این محلات که در محدوده‌ی جنوبی شهر قرار دارند، کیفیت زندگی بالاتری نسبت به سایر محلات دارند. امتیاز کیفیت زندگی شهروندان در سایر محلاتی که در چینی‌جاهای برنامه‌ریزی‌شده و جدید شهر قرار دارند همانند محلات بهشتی و اعتمادیه واقع در جنوب و جنوب شرق شهر، الوند در شمال غرب شهر، آزادگان و حسن‌آباد که این دو محله واقع در شهرک مدنی در شمال شرق شهر قرار دارند، نیز در وضعیت متوسط رو به خوبی قرار دارند. محلات بهشتی و الوند با امتیاز ۳/۲۵ بیشتر از محلات آزادگان و حسن‌آباد با ۳/۰۹ درصد است. کیفیت زندگی این محلات برنامه‌ریزی‌شده بالاتر از محلاتی است که در حاشیه و سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر است.

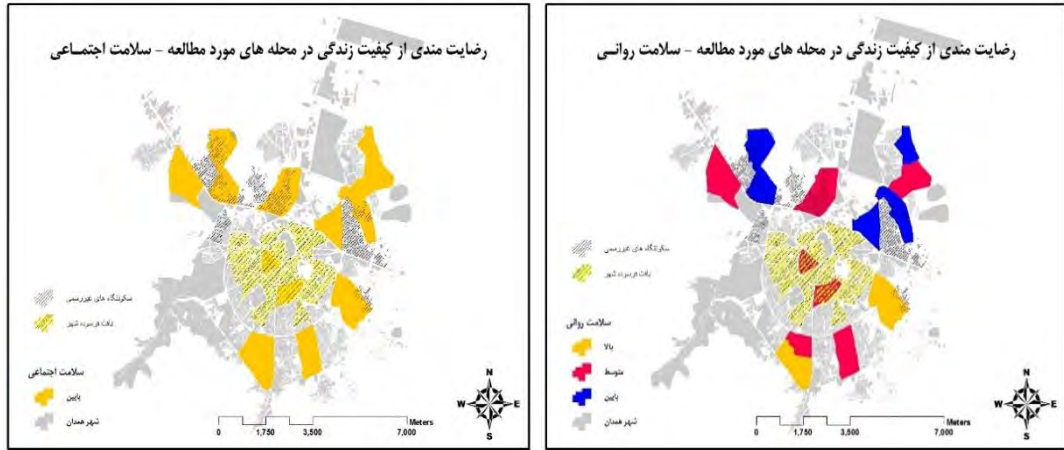
محلات مورد مطالعه‌ای که در سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر در شمال غرب و شرق شهر دارند شامل مجیدآباد، کوی خضر و محلاتی که در سکونت‌گاه غیررسمی حصار امام قرار دارند، شامل محله‌ی حصار پیازکاران و شهرک صداوسیما است و از سکونت‌گاه غیررسمی دیزج (شهرک ولیعصر) نیز محلات ولیعصر و صادقیه به‌عنوان نمونه‌ی مورد مطالعه انتخاب شدند. بررسی و مقایسه امتیاز میانگین این محلات نشان می‌دهد که سطح کیفیت زندگی در این محلات به جز کوی خضر و محله‌ی صداوسیما که به ترتیب با ۳/۰۹ و ۳/۰۶ در وضعیت متوسطی قرار دارند، امتیاز سایر محلات در سطحی پایین‌تر از امتیاز حد متوسط کیفیت زندگی می‌باشند. جدول شماره‌ی ۲ امتیاز کیفیت زندگی را در محلات مورد پژوهش نشان می‌دهد.

جدول ۲: امتیاز کلی کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه

کد محله	نام محله	امتیاز کیفیت زندگی
۱۰۲	قلعه محله یا (قاشق تراشان)	۳/۰۹
۱۱۱	سعیدیه	۳/۳۳
۱۱۶	متخصصین (استادان)	۴/۰۱
۲۰۳	گلپا	۳/۱۸
۲۰۹	حاج عنایت	۳/۲۱
۲۱۰	بهشتی	۳/۲۵
۲۱۳	پیشاهنگی	۳/۱۸
۲۱۵	اعتمادیه	۳/۲۵
۳۰۷	مجیدآباد	۲/۹۲
۳۰۸	کوی خضر	۳/۰۹
۳۱۴	آزادگان	۳/۰۹
۳۲۰	حسن آباد	۲/۹۹
۴۰۴	حصار پیازکاران	۲/۹۹
۴۰۵	صداوسیما	۳/۰۶
۴۱۰	صادقیه	۲/۹۰
۴۱۵	الوند	۳/۲۳
۴۱۷	ولیعصر	۲/۸۸
میانگین کل کیفیت زندگی		۳/۱۳

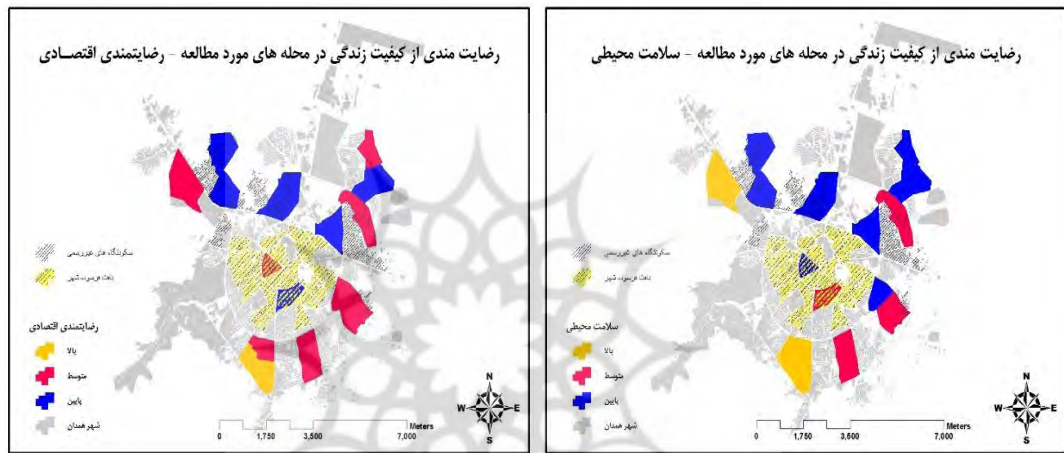


شکل ۳: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله‌های منتخب  
 شکل ۴: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله‌های منتخب (حیطه‌ی سلامت جسمانی) (کل)



شکل ۵: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله های منتخب (حیطه ی سلامت روانی) (حیطه ی سلامت اجتماعی)

شکل ۶: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله های منتخب



شکل ۷: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله های منتخب (حیطه ی سلامت محیطی)

شکل ۸: رضایتمندی از کیفیت زندگی در محله های منتخب (حیطه ی رضایتمندی اقتصادی)

جدول ۲: امتیاز کیفیت زندگی و ابعاد آن در محلات مورد مطالعه

میانگین امتیاز کیفیت زندگی محله	رضایتمندی اقتصادی	سلامت محیط				سلامت اجتماعی			سلامت روانی	سلامت جسمی	کد محله
		کیفیت محیط	امینت محیط	دسترسی به امکانات	تعلق به مکان	ارزشمند بودن در اجتماع	اعتماد اجتماعی	تفاعلات اجتماعی			
۳/۰۹	۳/۰۷	۲/۶۲	۲/۵۰	۴/۵۰	۳/۵۹	۳/۱۱	۲/۴۱	۳/۴۳	۳/۲۵	۳/۳۸	قلعه محله
۳/۴۹	۳/۴۹	۳/۱۷	۴/۲۰	۴/۶۲	۴/۱۷	۳/۱۲	۲/۷۷	۲/۵۰	۳/۳۲	۳/۶۰	سعیدیه
۴/۰۱	۴/۱۵	۴/۶۰	۴/۵۰	۴/۷۹	۴/۵۱	۴/۰۱	۲/۲۸	۲/۲۵	۴/۵۰	۴/۵۶	منخصصین
۳/۱۸	۲/۹۶	۲/۹۳	۲/۸۹	۳/۰۳	۳/۵۸	۳/۰۱	۲/۵۰	۳/۲۷	۳/۲۲	۳/۶۳	گلپا
۳/۰۷	۳/۰۶	۲/۹۳	۲/۸۶	۳/۲۵	۳/۶۴	۳	۲/۳۰	۲/۶۶	۳/۳۳	۳/۶۷	پیشاهنگی
۳/۲۵	۳/۲۴	۳/۰۹	۳/۰۳	۳/۲۱	۳/۶۰	۳/۰۷	۲/۸۳	۲/۸۵	۳/۳۷	۳/۶۳	اعتمادیه
۳/۱۸	۳/۱۴	۳/۰۸	۲/۵۵	۳/۰۸	۳/۱۱	۳/۰۷	۲/۲۱	۲/۷۳	۴/۰۵	۴/۳۴	حاج عنایت
۳/۲۵	۳/۰۱	۳	۳/۱۷	۳/۱۷	۳/۵۴	۳/۲۰	۲/۷۳	۲/۸۳	۴/۴۰	۳/۶۱	بهشتی

میانگین امتیاز کیفیت زندگی محله	رضایتمندی اقتصادی	سلامت محیط				سلامت اجتماعی			سلامت روانی	سلامت جسمی	کد محله
		کیفیت محیط	آمنیت محیط	دسترسی به امکانات	تعلق به مکان	ارزشمند بودن در اجتماع	اعتماد اجتماعی	تعاملات اجتماعی			
۲/۹۲	۲/۳۴	۳/۰۶	۲/۴۶	۲/۸۴	۲/۲۷	۳/۰۲	۲/۶۹	۳	۲/۹۹	۳/۵۹	مجیدآباد
۳/۰۹	۳/۱۸	۳/۲۴	۲/۵۷	۳/۵۱	۳/۲۰	۳/۱۱	۲/۵۰	۲/۶۹	۲/۸۰	۳/۳۳	کوی خضر
۳/۰۹	۲/۹۴	۳/۰۸	۲/۴۱	۳/۴۷	۲/۹۴	۲/۹۳	۲/۴۷	۲/۷۳	۳/۴۶	۳/۴۶	آزادگان
۲/۹۹	۳/۰۱	۳/۰۲	۲/۵۷	۳/۳۷	۲/۷۴	۳/۰۶	۲/۳۸	۲/۶۲	۲/۹۱	۳/۴۰	حسن‌آباد
۳/۲۸	۳/۲۶	۲/۹۹	۴/۱۴	۳/۲۱	۳/۷۶	۲/۸۹	۲/۶۲	۳/۱۳	۳/۲۵	۳/۵۸	الوند
۲/۹۹	۲/۷۷	۲/۸۰	۲/۵۱	۲/۹۳	۲/۸۸	۳/۰۲	۲/۴۸	۲/۷۹	۳/۲۹	۴/۰۱	حصار پیازکاران
۳/۰۶	۲/۶۴	۲/۸۵	۲/۲۰	۲/۷۶	۲/۳۶	۳	۲/۴۶	۲/۷۱	۳/۲۹	۴	صداوسیما
۲/۹۰	۲/۷۱	۲/۸۱	۲/۳۱	۲/۹۳	۲/۵۶	۲/۷۵	۲/۲۹	۳/۱۰	۲/۹۹	۳/۴۲	صادقیه
۲/۸۸	۲/۷۹	۲/۵۰	۲/۵۰	۲/۵۹	۲/۷۶	۲/۷۴	۲/۳۵	۳/۳۳	۲/۹۰	۳/۲۵	ولیعصر

#### ۶-۲- عدالت فضایی در محلات مورد مطالعه

یکی از شاخص‌ها یا معیارهای مهم برای تحلیل وضعیت عدالت فضایی در شهر، بررسی چگونگی توزیع کاربری‌های خدمات عمومی و مهم در شهر است. مدل تاپسیس، یکی از روش‌های تبیین چگونگی توزیع خدمات عمومی شهری است. این روش میزان نابرابری در توزیع خدمات شهری را در نواحی شهر همدان آشکار می‌کند. بر اساس این روش، ابتدا ۱۲ ناحیه‌ی شهر همدان با استفاده از ۸ شاخص که همان کاربری‌های خدماتی عمومی شهری می‌باشند، یک ماتریس را تشکیل داده‌اند. سپس با استفاده از وزن‌دهی AHP، به وزن‌دهی شاخص‌ها مبادرت و در نهایت، با انجام مراحل شش‌گانه مدل تاپسیس، رتبه‌بندی آن‌ها انجام شده است.

جدول ۳: وزن نهایی معیارها یا شاخص‌ها بر اساس هدف تحقیق (عدالت فضایی)

مجموع	مختلط	خدماتی	فضای سبز	اداری انتظامی	بهداشتی درمانی	تجاری	فرهنگی مذهبی	آموزشی	شاخص‌ها
۱	۰/۹۳۵	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	۰/۰۹۳	۰/۱۴۲	۰/۱۰۳	۰/۱۴۲	۰/۱۴۲	وزن معیارها

با توجه به آنکه یکی از معیارهای مناسب برای شناخت امکانات و تسهیلات و کمبودهای نواحی شهری، طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس شاخص‌های خدماتی و پی بردن به چگونگی خدمات در سطح شهر است. بر همین اساس میزان برخورداری از خدمات شهری، شهر همدان بر اساس مدل‌های تاپسیس و دامنه امتیازات آن به چهار سطح کاملاً برخوردار، برخوردار، نسبتاً برخوردار و برخورداری ضعیف تقسیم گردیدند (جدول ۴).

جدول ۵: چگونگی سطح‌بندی نواحی شهر همدان به لحاظ عدالت در توزیع فضایی خدمات شهری

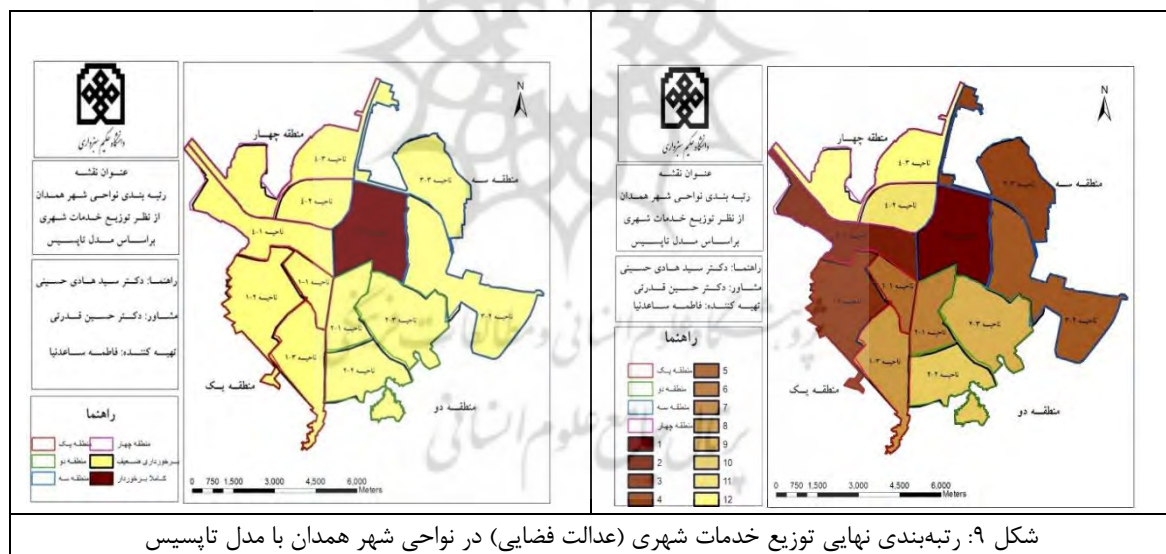
نمره تاپسیس	۰/۱-۷۵	۰/۰-۵/۷۵	۰/۲۵-۰/۵	۰-۰/۲۵
	کاملاً برخوردار	برخوردار	نسبتاً برخوردار	برخورداری ضعیف

رتبه‌بندی نواحی ۱۲ گانه‌ی شهر همدان از نظر توزیع خدمات شهری با استفاده از روش تاپسیس در جدول ۶ آورده شده است. بر اساس این جدول و نتایج به‌دست‌آمده مشخص می‌شود که توزیع فضایی خدمات شهری در سطح نواحی شهر همدان بسیار نامتعادل است به طوری که ناحیه‌ی سه از منطقه‌ی یک برخوردارترین ناحیه، از نظر توزیع خدمات

شهری و ناحیه‌ی سه از منطقه‌ی چهار به‌عنوان کم برخوردارترین ناحیه است. جدول ۶ و شکل ۹ وضعیت توزیع فضایی خدمات عمومی و عدالت فضایی را در نواحی شهر همدان بر اساس مدل تاپسیس نشان می‌دهد.

جدول ۶: رتبه‌بندی نواحی شهری همدان بر اساس خدمات عمومی شهری با استفاده از روش تاپسیس

وضعیت عدالت فضایی	رتبه	تاپسیس	نواحی شهری	
برخورداری ضعیف	۶	۰/۱۱۳	ناحیه‌ی ۱-۱	منطقه‌ی یک
برخورداری ضعیف	۷	۰/۰۷۹	ناحیه‌ی ۱-۲	
برخورداری ضعیف	۸	۰/۰۵۴	ناحیه‌ی ۱-۳	
برخورداری ضعیف	۳	۰/۱۹۹	ناحیه‌ی ۲-۱	منطقه‌ی دو
برخورداری ضعیف	۱۰	۰/۰۲۹	ناحیه‌ی ۲-۲	
برخورداری ضعیف	۵	۰/۱۱۵	ناحیه‌ی ۲-۳	
کاملاً برخوردار	۱	۰/۷۹۳	ناحیه‌ی ۳-۱	منطقه‌ی سه
برخورداری ضعیف	۹	۰/۰۳۳	ناحیه‌ی ۳-۲	
برخورداری ضعیف	۴	۰/۱۵۰	ناحیه‌ی ۳-۳	
برخورداری ضعیف	۲	۰/۲۱۸	ناحیه‌ی ۴-۱	منطقه‌ی چهار
برخورداری ضعیف	۱۱	۰/۰۲۴	ناحیه‌ی ۴-۲	
برخورداری ضعیف	۱۲	۰/۰۱۹	ناحیه‌ی ۴-۳	



در بخش نهایی این پژوهش برای بررسی چگونگی تأثیرگذاری متغیر عدالت فضایی بر کیفیت زندگی شهروندان شهر همدان، از تحلیل آماری و ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌های تحقیق گویای آن است که رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی میان بهره‌مندی از عدالت فضایی (بهره‌مندی از خدمات و امکانات شهری) و رضایتمندی از کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه وجود داشته است؛ به‌گونه‌ای که ضریب همبستگی بین دو متغیر برابر با ۰/۶۹۱ در سطح معنی‌داری ۰/۰۰۲ است.

## ۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کیفیت زندگی موضوع اخیر و مهم مطالعات برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است که مفهومی چندبعدی و بسیار پیچیده با ابعاد و ویژگی‌های کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ... است که درعین حال به روحیات و حالات ذهنی فرد نیز بستگی دارد. این موضوع حاکی از گذار از برنامه‌ریزی شهری صرفاً کالبدی با توجه به طیفی از متغیرهای جامع معطوف به کیفیت زندگی است.

شناخت، اندازه‌گیری و بهبود کیفیت زندگی از اهداف عمده‌ی محققان، برنامه‌ریزان و دولت‌ها در چند دهه‌ی اخیر بوده است. این عرصه‌ی علمی و تحقیقاتی مورد توجه تعداد زیادی از رشته‌ها از جمله: جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، علوم محیطی، جغرافیا، پزشکی و ... است. از طرفی نقش و جایگاهی که شهرها در فرایند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه‌ی بر عهده دارند، بر کسی پوشیده نیست. پیامدهای عدم توجه به کیفیت زندگی در این نواحی می‌تواند اثرات زیان‌باری را برای یک جامعه به بار آورد.

نتایج حاصل از مطالعه کیفیت زندگی در شهر همدان نشان داد که میزان کلی رضایتمندی از کیفیت زندگی در محلات مورد مطالعه در شهر همدان، با میانگین ۳/۱۳ در حد متوسط قرار دارد. همچنین در بررسی زیر بخش‌های کیفیت زندگی، بررسی حیطه‌های سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت محیطی، سلامت اجتماعی و رضایتمندی اقتصادی نشان داد که سلامت جسمانی با میانگین ۳/۶۷ در بالاترین سطح رضایت را در بین سایر ابعاد در محلات مورد مطالعه قرار گرفت، در مقابل سلامت اجتماعی با میانگین ۲/۷۹ کم‌ترین رضایت را محلات مورد مطالعه داشت. یافته‌ها نشان دادند که توزیع فضایی خدمات شهری در سطح نواحی شهر همدان بسیار نامتعادل است. بررسی تأثیر متغیر مستقل عدالت فضایی بر رضایتمندی از کیفیت زندگی در محلات مختلف شهر همدان نشان داد که میان عدالت فضایی و دسترسی مطلوب به امکانات و خدمات شهری با رضایتمندی از کیفیت زندگی رابطه‌ی معنی‌دار و مستقیمی وجود دارد. با توجه به یافته‌های تحقیق، موارد زیر جهت افزایش رضایتمندی شهروندان از کیفیت زندگی پیشنهاد می‌شود:

۱. توجه به نابرابری‌ها در رضایتمندی شهروندان شهر همدان و تفاوت‌ها میان محلات بافت‌های مختلف شهری از کیفیت زندگی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها
۲. توجه به وضعیت نامناسب سلامت اجتماعی و سلامت روانی در محلات شهر همدان و تلاش برای بهبود و ارتقاء وضعیت آن‌ها.
۳. توجه به متعادل ساختن دسترسی شهروندان به امکانات و خدمات شهری و ایجاد عدالت فضایی در شهر.

## ۸- منابع

۱. پرهام، باقر (۱۳۵۵). زندگی و شهر، تجدید بنا و نوسازی مناطق و شهرها و کیفیت زندگی (درس‌هایی از تجدید بنا و نوسازی مناطق زلزله‌زده ایران). نامه علوم اجتماعی، دوره‌ی قدیم، شماره‌ی ۶، صص ۲۱-۱.
۲. پورا احمد، احمد، فرجی ملایی، امین، عظیمی، آزاده، لطفی، صدیقه (۱۳۹۱). تحلیل و طبقه‌بندی کیفیت زندگی شهری با روش SAW، فصلنامه‌ی پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره‌ی ۴۴، شماره‌ی ۴، صص ۴۴-۲۱.
۳. پورطاهری، مهدی، رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، احد (۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت زندگی در نواحی روستایی، مطالعه دهستان خاوه شمالی استان لرستان، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره‌ی ۷۶، صص ۳۱-۱۳.
۴. حاتمی‌نژاد، حسین (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر، ناهمگونی فضایی محلات شهر مشهد، رساله‌ی دوره‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، تهران.

۵. حاجی‌نژاد، علی، رفیعیان، مجتبی، زمانی، حسین (۱۳۸۹). بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایتمندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی (مطالعه‌ی موردی مقایسه بافت قدیم و جدید شهر شیراز). فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، صص ۸۲-۶۳.
۶. حبیبی، رعنا سادات (۱۳۸۷). تصویرهای ذهنی و مفهوم مکان، نشریه‌ی هنرهای زیبا، شماره ۳۵، صص ۵۰-۳۹.
۷. زبردست، اسفندیار، بنی عامریان، مهسا (۱۳۸۸). بررسی ارتباط میان شاخص‌های عینی و ذهنی بعد خدمات عمومی کیفیت زندگی شهری در شهر جدید هشتگرد، نامه‌ی معماری و شهرسازی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۲-۵.
۸. زنگنه شهرکی، سعید، گلین شریف ادینی، جواد، حسن زاده، داود، سالاری مقدم، زهرا (۱۳۹۳). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در سکونت‌گاه‌های غیررسمی منطقه‌ی کلانشهری تهران (مطالعه‌ی موردی: اسلام‌آباد، صالح‌آباد)، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، دوره ۴۶، شماره ۱، صص ۱۹۶-۱۷۷.
۹. شاه‌حسینی، پروانه، توکلی، هانیه (۱۳۹۲). تحلیل شاخصه‌ای کیفیت زندگی شهری مورد: محله‌ی وردآورد منطقه‌ی ۲۱ شهر تهران، آمایش محیط، شماره ۲۴، صص ۱۴۴-۱۲۷.
۱۰. شریفی، عبدالنبی (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و شهر، تحلیل نابرابری‌های منطقه‌ای در شهر اهواز، رساله‌ی دوره‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران.
۱۱. شکوهی، حسین (۱۳۸۹). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد اول، چاپ دوازدهم، گیتاشناسی، تهران.
۱۲. کاظمی محمدی، سید مهدی موسی، شکویی، حسین (۱۳۸۱). ارزیابی پایداری اجتماعی در شهر قم، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۳، صص ۴۱-۲۷.
۱۳. قربانی، زینب، خاکپور، براتعلی، مافی، عزت‌اله (۱۳۹۲). تحلیل توزیع فضایی کیفیت زندگی در محله‌های شهر چالوس، پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۱۸-۱.
۱۴. کوکبی، افشین، پورجعفر، محمدرضا، تقوایی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری در مراکز شهری، تعاریف و شاخص‌ها، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۳، صص ۱۳-۶.
۱۵. لنگ، جان (۱۳۸۳). آفرینش نظریه معماری، نقش علوم رفتاری در طراحی محیط، ترجمه علیرضا عینی‌فر، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران.
۱۶. مرصوصی، نفیسه (۱۳۸۲). تحلیل عدالت فضایی در شهر تهران، رساله‌ی دوره‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۷. یزدانی، محمود، کاویانی، یونس، یاری، ارسطو (۱۳۸۷). هویت فضایی و شهر از دیدگاه دانش جغرافیا، شهرنگار، شماره ۴۹، صص ۱۲-۱۹.
18. Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Indexes of perceived residential environment quality and neighbourhood attachment in urban environments: a confirmation study on the city of Rome. *Landscape and urban planning*, Volume 65(1), pp 41-52.
19. Collados, C., & Duane, T. P. (1999). Natural capital and quality of life: a model for evaluating the sustainability of alternative regional development paths. *Ecological economics*, 30(3), pp Volume 441-460.
20. Daisy, D. (2007), *Urban Quality of Life: A Case Study of Guwahati*, *Soc Indic Res* (2008), Volume 88, pp 297-310.
21. El Din, H. S., Shalaby, A., Farouh, H. E., & Elariane, S. A. (2013). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *Housing and Building National Research Center (HBRC) Journal*, Volume 9(1), pp 86-92.
22. Habib, R. R., Mahfoud, Z., Fawaz, M., Basma, S. H., & Yeretizian, J. S. (2009). Housing quality and ill health in a disadvantaged urban community. *Public health*, Volume 123(2), pp 174-181.
23. Lansing, J. B., & Marans, R. W. (1969). Evaluation of neighborhood quality. *Journal of the American Institute of Planners*, Volume 35(3), pp 195-199.
24. Lee, Y. J. (2008). Subjective quality of life measurement in Taipei. *Building and Environment*, Volume 43(7), pp 1205-1215.

25. Li, G., & Weng, Q. (2007). Measuring the quality of life in city of Indianapolis by integration of remote sensing and census data. *International Journal of Remote Sensing*, Volume 28(2), pp 249-267.
26. Mason, M., Valente, T., Coatsworth, J.D., Mennis, J., Lawrence, F., Zelenak, P. (2010). Place based social network quality and correlates of substance use among urban adolescents, *Journal of Adolescence*, Number 33, pp 419-427.
27. Massam, B. H. (2002). Quality of life: public planning and private living. *Progress in Planning*, Volume 58(3), pp 141-227.
28. Morais, P., Camanho, Ana, 2011, Evaluation of performance of European cities with the aim to promote quality of life improvements, *Omega*, Number 39, pp 398-409.
29. Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S., & Clinch, J. P. (2008). Ranking quality of life using subjective well-being data. *Ecological Economics*, Volume 65(3), pp 448-460.
30. Pal, A. K., & Kumar, U. C. (2005). Quality of Life (QoL) concept for the evaluation of societal development of rural community in West Bangal, India. *Asia-Pacific Journal of Rural Development*, Volume 15(2), pp 83-93.
31. Phillips, D. (2006), *Quality of Life; Concept, Policy and Practice*, London, Routledge,
32. Raphael, D., Renwick, R., Brown, I., & Rootman, I. (1996). Quality of life indicators and health: current status and emerging conceptions. *Social Indicators Research*, Volume 39(1), pp 65-88.
33. Ryashchenko, S. V., & Gukalova, I. V. (2010). Public health in the system of regional indicators of the quality of life in Russia and Ukraine. *Geography and Natural Resources*, Volume 31(1), pp 11-17.
34. Seik, F. T. (2000). Subjective assessment of urban quality of life in Singapore (1997-1998). *Habitat International*, Volume 24(1), pp 31-49.
35. Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., & De Hollander, A. (2003). Urban environmental quality and human well-being: towards a conceptual framework and demarcation of concepts; a literature study. *Landscape and urban planning*, Volume 65(1), pp 5-18.
36. Wang, B., Li, X., Stanton, B., & Fang, X. (2010). The influence of social stigma and discriminatory experience on psychological distress and quality of life among rural-to-urban migrants in China. *Social Science & Medicine*, Volume 71(1), pp 84-92.
37. Westaway, M. S. (2006). A longitudinal investigation of satisfaction with personal and environmental quality of life in an informal South African housing settlement, Doornkop, Soweto. *Habitat International*, Volume 30(1), pp 175-189.
38. Whitehead, T., Simmonds, D., & Preston, J. (2006). The effect of urban quality improvements on economic activity. *Journal of Environmental Management*, Volume 80(1), pp 1-12.
39. Wish, N. B. (1986). Are We Really Measuring the Quality of Life? Well being Has Subjective Dimensions, As Well As Objective Ones. *American Journal of Economics and Sociology*, Volume 45(1), pp 93-99.
40. Wong, C. (2001). The relationship between quality of life and local economic development: an empirical study of local authority areas in England. *Cities*, Volume 18(1), pp 25-32.
41. Zainal, N. R., Kaur, G., Ahmad, N. A., & Khalili, J. M. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, Volume 50, pp 827-838.